



دادخواهی در شعر

گردآوری: مهدی خوشروی

حق تعالی به موسی علیه السلام وحی کرد که:
ظالمان امت خود را بگوی تا مرا یاد نکنند هر که ظالم بود و مرا یاد کند من او را به لعنت یاد کنم!
تذکره الأولیاء



خوشروی، مهدی، ۱۳۶۴ -	شیر شناسه
دادخواهی در ادبیات دادخواهی در شعر (برخی از شعرها) / گردآوری مهدی خوشروی.	عنوان و نام پدیدآور
تبریز: ایشیق □، ۱۳۹۶.	مشخصات نشر
ج، ۶۱ ص.	مشخصات ظاهری
978-600-5447-37-8	شابک
فیفا	وضعیت فهرست نویسی
عدالت در ادبیات	موضوع
Justice in literature	موضوع
شعر فارسی -- مجموعه‌ها	موضوع
Persian poetry -- Collections	موضوع
PIR۴۰۵۲/ع۴ □ ۱۳۹۶	زده بندی کتب
□۸۴□□۱/۰۰۹۳۵۵	زده بندی سری
□۴۷۶۷۳۴۷	شماره کتابشناسی ملی

نام کتاب: دادخواهی در شعر (برخی از شعرها)

گردآوری: مهدی خوشروی

ناشر: نشر ایشیق (۰۹۱۲۱۴۷۳۰۸۷)

<https://t.me/ishighketab>

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۶ - تبریز

تیراژ: ۵۰۰ جلد

قطع: ۸۰ ص وزیری

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

شابک: 978-600-5447-37-8



نشر ایشیق

www.ishigh.ir

0912 147 3087

041 3660 7110

رابطه ادبیات و حقوق رابطه ای است گسست ناپذیر، چرا که گفتن حقایق را شیوه ای باید تا تأثیرگذاری آن بیشتر گردد و جریان ساز باشد. به درستی که ادبیات و شعر به عنوان ابزاری برای مبارزه و خواست اجتماعی در جهت تحقق اهداف دادخواهی می تواند نقشی ویژه ایفا کند.

ادبا و عرفای ما در جهت اصلاح امور جامعه از این ابزار ویژه بهره ها جسته و اعتراض خود را به بی عدالتی پنهان ننموده اند و فریاد در برابر بیداد را لازمه ی حیات خود دانسته اند.

آری این چنین است که ادبیات به عنوان سلاح مبارزه با ستم در دست مصلحان حقیقی قرار می گیرد و تکلیف دادخواهی را به حق بر زمین نمی گذارد. گذشته از شاعران درباری که آرمان و اعتقاد خود را با منافع زودگذر دنیا معامله نموده اند باید گفت که ادبیات کلاسیک ما در جهت احقاق حق، یاری مظلوم، افشای فساد ظالمان و سبیز با ستم پرچمی بلند افراشته است که تا ابد دست به دست آزادی خواهان از آسمان حقیقت فرو خواهد آمد.

لازم بذکر است در این میان باید دید، ویژه داشت بر رابطه بین حقوق، ادبیات عرفانی و حقیقت دین چرا که در بعضی از اشعار وقتی شاعر می خواهد تعریفی از عدالت دهد و به مقابله با مظاهر ظلم بپاخیزد حرکتش را با مفاهیم حقیقت اسلام کره می زند.

به عنوان نمونه عطار نیشابوری در سی فصل چنین بیان می کند

عدالت آن بود گر راه جوئی

طریق ملت آن شاه جوئی

تو عادل دان که دارد حب حیدر

مطیع مرتضی باشد چو قنبر

تو عادل دان که راه مرتضی رفت

نه همچون جاهلان راه خطا رفت

اگر دانی علی را عادل تو

وگر نه در حقیقت جاهلی تو

اگر عادل شوی بر راه باشی

که در ملکش بود چه دادخواهی

اگر تو عدل ورزی زنده باشی

میان عارفان فرخنده باشی

ترا گر عدل باشد راه جوئی

حقیقت مظهر الله جوئی

بخواه از عدل هر چیزی که خواهی

نهی از عدل بر سر تاج شاهی

و یا هم او در مظهر العجائب راحتاً با مفاهیم مذهبی به حاکمان ظالم می تازد و می گوید: (با تلخیص)

من ندارم طاقت ظلم سکن

نیست گردان جمله را از این جها

آتش ظلم بدان سوزد دلم

بوی آن آتش برآید از گلم

دفع این آتش مگر مهدی کند

خلق را خوش از نکو عهدی کند

این امیران جهان را عدل نیست

وین بزرگان زمان را بدل نیست

حاکمان این زمان ناحق کنند

در بر خود جامها ابلق کنند